

نگرشی به کتاب صحیفه سجادیه

نوشته: ویلیام چیتیک

ترجمه: حسین پورقاسمیان*

چکیده: «ویلیام چیتیک» دانشمند امریکایی معاصر، صحیفه سجادیه را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و گفتاری در معرفی امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه و آداب دعا در اسلام نگاشته، که به پیوست آن ترجمه منتشر شده است. در این مقاله - که خلاصه‌ای از گفتار چیتیک آمده - توضیحاتی درباره تاریخچه کتاب صحیفه، دعا‌های امام سجاد علیه السلام، نسخه‌شناسی صحیفه، آثار علمی نگاشته شده حول محور آن، نقش دعا و مناجات در تربیت انسان، بینش اسلامی نسبت به دعا، وجوه مختلف درون مایه صحیفه و شیوه و مبنای ترجمه خود سخن گفته است.

کلید واژه‌ها: صحیفه سجادیه (کتاب)، ترجمه انگلیسی / امام سجاد، علی بن الحسین علیه السلام / دعا / تربیت / صحیفه سجادیه (کتاب)، درون مایه / صحیفه سجادیه (کتاب)، نسخه‌شناسی / صحیفه سجادیه (کتاب)، آثار علمی پیرامون آن / چیتیک، ویلیام

درباره نویسنده:

پروفسور ویلیام چیتیک در سال ۱۹۴۳ در شهر ملفورد (Milford) در ایالت کنتیکت

* - عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه قم.



(Connecticut) در کشور امریکا زاده شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ی هنر آغاز کرد. در خلال سالهای تحصیل به ایران سفر کرد و دکترای زبان و ادبیات فارسی را در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه تهران گرفت. وی پنج سال در دانشگاه صنعتی شریف به تدریس تاریخ تطبیقی ادیان اشتغال داشت. پس از بازگشت به امریکا، به مدت سه سال به گروه ویرایش «دائرة المعارف ایرانیکا» پیوست. چیتیک، از سال ۱۹۸۳ تاکنون به تدریس مطالعات دینی در دانشگاه استونی بروک (Stony Brook) اشتغال دارد. پژوهش در تاریخ تصوّف، عمده‌ترین موضوع در کارهای پژوهشی اوست. کتاب «من و رومی» به زبان انگلیسی (Me and Rumi) در ترجمه و توضیح کتاب مقالات شمس تبریزی که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۸۳ را دریافت کرد.

«ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه همراه با ملحقات، دعاهای ایام هفته، مناجات خمسه عشر و رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام»، از آثار ارزشمند چیتیک است که نقشی بسزا در معرفی صحیفه در سطح جهانی داشته است. چیتیک بر این ترجمه، مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط نگاشته، و درباره امام سجاد علیه السلام، صحیفه و نسخه‌های خطی و شروح آن، دعا در اسلام، توحید، درخواست از خدا، اسماء الحسنی، شکر نعمت‌ها و مطالبی از این دست، سخن گفته است. این ترجمه، ابتدا توسط «بنیاد محمدی» در انگلستان و سپس انتشارات انصاریان قم (بطور افست) منتشر شد.

اهمیت این گفتار، در آن است که دیدگاهی برون دینی درباره صحیفه را نشان می‌دهد. به دلیل طولانی بودن اصل مقاله، تنها بخش‌هایی از آن را که در مورد صحیفه بود، برگزیدیم، که علامت [...] به این اقتباس و انتخاب، اشاره دارد.

فصلنامه سفینه

صحیفه سجادیه

[...] عنوان صحیفه سجادیه به معنی «کتاب سجاد» است. سجاد یکی از القاب زین‌العابدین است، به معنی «کسی که به طور دائم در نماز و دعا به سجده می‌رود». این

کتاب اغلب با عنوان صحیفه کامله سجادیه - کتاب «کامل» سجاد - نیز نامیده می شود. به نقل از سید علی خان شیرازی، مفسر صحیفه سجادیه، واژه کامله نشان دهنده کمال سبک و مضمون این کتاب است. برخی منابع دیگر، دلیل افزوده شدن این صفت را متمایز ساختن این اثر از کتاب دیگری می دانند که نسخه ناقص صحیفه محسوب شده و در میان زیدی ها رایج و شناخته شده است. اما با توجه به شیوه استفاده از این واژه در مقدمه اثر، چنین احتمالی کم رنگ تر می شود (بند ۲۰)^(۱). صحیفه با عناوین احترام آمیز دیگری چون «خواهر قرآن»، «انجیل اهل بیت»، و «مزامیر آل محمد» نیز خوانده می شود. طبق روایات و احادیث شیعه، زین العابدین مناجات های خود را جمع آوری کرده و به فرزندان خود به خصوص محمدباقر و زید آموخت. پس از مدتی این کتاب به طور گسترده ای در میان مذاهب مختلف شیعه رواج پیدا کرد. صاحب نظران علم حدیث متن این کتاب را متواتر می دانند.^(۲) به عبارت دیگر، متن این کتاب از همان ابتدا مورد شناخت عموم بوده و به اشکال و طرق مختلف دست به دست شده و انتقال یافته است ولی اصالت و صحت این اثر هرگز زیر سؤال نرفته است.

اما به هر حال، ترتیب و نحوه قرارگیری مناجات ها به شکلی است که به ما اجازه می دهد با اطمینان کامل، خط تمایزی میان پنجاه و چهار مناجات تشکیل دهنده پیکره اصلی کتاب، مناجات های اضافه تشکیل دهنده ضمایم پانزده گانه (از جمله ادعیه روزهای هفته)، و پانزده مناجات یا «دعاهای زیرلب»، قائل شویم. تازگی و طراوت و وحدت مضمون و سبکی را که به طور غیر قابل انکاری در پنجاه و چهار مناجات اصلی وجود دارد در بخش های افزوده شده دیگر به خصوص مناجات ها نمی توانیم ببینیم، چرا که هنرمندی و نظم و ترتیب آگاهانه این مناجات ها به نحوی است که وجود ویراستاری را در این میان به ذهن می آورد. گفته می شود که ضمایم توسط شمس الدین



۱- برای نظر اول، قس، سید علیخان، ریاض السالکین، شرح بر مقدمه صحیفه، بند ۲۰؛ برای نظر دوم، قس. آقا نجفی در مقدمه اش بر صحیفه که در پانوشته بعد ذکر می شود.

۲- قس. مقدمه های سید محمد مشکاة و سید شهاب الدین مرعشی (آقا نجفی) بر صحیفه کامله سجادیه، تهران، ۱۹۴۲ / ۱۳۶۱؛ همان متن با ترجمه فارسی متن و مقدمه های صدرالدین بلاغی، تهران ۱۹۵۰ / ۱۳۶۹.

محمدبن مکی، معروف به شهید اول - نگارنده شهیر کتاب اللمعة الدمشقیه در علم حقوق (فقه) که در سال ۱۳۸۴ / ۷۸۶ در حلب کشته شد - جمع آوری و به کتاب افزوده شده است.^(۱) پانزده مناجاتی که در چندین ویراست جدید صحیفه افزوده شده‌اند، نیز به نظر می‌رسد که توسط علامه محمدباقر مجلسی (وفات ۹-۱۹۶۸ / ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱) - نویسنده مجموعه ماندگار و جاویدان حدیث شیعه، بحارالانوار - به صحیفه اضافه شده باشند.^(۲)

علاوه بر مناجات‌های اصلی صحیفه، مناجات‌های بسیار دیگری نیز از امام زین‌العابدین وجود دارند که توسط محققین مختلف به همراه مناجات‌های اصلی در مجموعه‌هایی به عناوین «صحیفه دوم»، «صحیفه سوم» و به همین ترتیب جمع آوری شده‌اند. صحیفه دوم که از نظر حجم مطالب تقریباً به اندازه صحیفه اصلی است با عنوان «خواهر» صحیفه توسط محمدبن الحسن الحرالعاملی (وفات ۳-۱۶۹۲ / ۱۱۰۴)، نویسنده کتاب معروف وسائل الشیعه در سال ۱۶۴۳ / ۱۰۵۳، جمع آوری گردید.^(۳) صحیفه سوم نیز توسط نگارنده کتاب ریاض العلماء، میرزا عبدالله پسر میرزا عیسی تبریزی معروف به افندی و شاگرد علامه مجلسی، تدوین شد. طولانی‌ترین نسخه به چاپ رسیده از صحیفه، کتاب الصحیفه السجادیة الخامسة (پنجمین صحیفه سجادیه) می‌باشد که توسط محسن‌الامین، نویسنده معروف و معاصر کتاب عیان الشیعه، گردآوری شده است.^(۴) این نسخه از صحیفه شامل تمام مناجات‌های موجود در

۱ - قس. مجلسی، بحار LXXXVI، ص ۱۳۴ - ۱۳۳.

۲ - مجلسی در بحارالانوار (۵۳ - ۱۴۲ XCI) این پانزده مناجات را از کتاب العتیق غروی نقل می‌کند. وی در مقدمه خود (بحار، ۱، ۱۶) توضیح می‌دهد که این یک کتاب دعا است که در غری (منطقه نجف که علی‌الصلوات در آن مدفون است) پیدا شده است و توسط یکی از قدیمی‌ترین خبرگان حدیث (بعض قدماء المحدثین) جمع آوری شده است.
۳ - لیتوگرافی شده در ایران و بمبئی (۴ - ۱۸۹۳ / ۱۳۱۱).

۴ - دمشق. ۱۹۱۲ / ۱۳۳۰. صحیفه چهارم توسط میرزا حسین بن محمد تقی نوری (وفات ۱۹۰۲ / ۱۳۲۰) جمع آوری و در ایران چاپ شد. صحیفه ششم توسط محمد صالح مازندرانی حائری نوشته شد (برای این شش مورد به آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه تحت عنوان صحیفه سجادیه مراجعه کنید). سایر موارد

صحیفه‌های پیشین می‌باشد که از این میان ۱۳۰ مناجات مربوط به صحیفه‌های اول و دوم بوده و ۵۲ مناجات نیز به آنها افزوده شده است.^(۱) کنستانس پدویک^(۲) در مطالعات دلسوزانه خود در مورد کتب ادعیه اسلامی و عبادات مسلمانان از نسخه کامل و نهایی صحیفه پنجم که بیش از ششصد صفحه دارد استفاده کرد.

هرگونه تلاش جدی برای بدست آوردن دلایل تاریخی بر صحت هر کدام از مناجات‌ها و ادعیه موجود در تمام ویراست‌های صحیفه که مبتنی بر بررسی‌های انتقادی جدید نیز باید باشد، وظیفه‌ای دشوار است که در آن مسائل مهم و عمده‌ای نیز باید مورد توجه قرار گیرند. نتیجه چنین بررسی‌ای - البته اگر کسی بتواند با مطالعه سایر متون قدیمی تصمیم‌گیری و قضاوت کند - احتمالاً چنین است که، پس از سالها تلاش سخت و طاقت‌فرسا تنها یک دسته فرضیه در اختیار داریم که با درجات گوناگونی مورد شک و تردید قرار دارند. این موضوع می‌تواند برای محققین غربی و مسلمانان امروزی، که هر دو گروه به هر صورت هیچگونه دخالت و ارتباط مشخصی با مضامین و آموزه‌های صحیفه ندارند، جالب توجه باشد. اما شیوه بیشتر مسلمانان بر این است که به مضمون و محتوای متونی که به صورت احادیث و روایات باشند توجه می‌کنند و چندان توجهی به اینکه براساس «حقایق تاریخی» چه کسی واقعاً آن متن را نوشته، از خود نشان نمی‌دهند. در این رابطه می‌توان به جمله معروف علی اشاره کرد که: «به آنچه گفته شده است توجه کن و نه به این که چه کسی آن را گفته است، زیرا تنها حقیقت بودن یا نبودن کلمات است که واقعاً اهمیت دارد.» با عنایت بر این نظر اگر نویسنده صحیفه کامله، امام سجاد نبوده باشد، نویسنده آن در هر صورت یک مقام و مرجع معنوی است و یا جایگاهی در این سطح دارد. با توجه به تمام این مطالب، دوباره به نقطه آغازین بازمی‌گردیم که: با اثری روبرو هستیم که والاترین الهامات را به روح و جان مسلمانان عرضه می‌کند.

نگارشی به کتب صحیفه سجادیه



توسط دانشمندان معاصر چون حاج شیخ محمدباقر بن محمد حسن بیرجندی قائنی، شیخ هادی بن عباس علی کاشف الغطاء نجفی، و حاج شیخ میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی حائری جمع‌آوری شده‌اند (قس). مقدمه آقا نجفی بر صحیفه). ۱- تهرانی، الذریعه، تحت عنوان صحیفه سجادیه.

اما به هر صورت می‌توانیم از این نکته خرسند باشیم که متن اصلی صحیفه که قرن‌ها احادیث و روایات شیعه آن را منتسب به زین‌العابدین می‌دانند، در اختیار ماست. یعنی دیگر، در پنجاه و چهار دعای صحیفه، زین‌العابدین را در برابر داریم که بیش از هزار سال است در میان شیعیان شناخته شده است و به شکل‌گیری وضعیت ویژه مذهب شیعه تا به امروز کمک شایانی کرده است. شاید محققین سرانجام به این نتیجه برسند که زین‌العابدین، «حقایق تاریخی» با زین‌العابدین احادیث و روایات متفاوت است، اما این نتیجه‌گیری نیز در حد یک نظریه باقی خواهد ماند، چرا که آزمایش مجدد واقعیت‌های تاریخی غیرممکن است و همچنین این واقعیت‌ها به اندازه ادبیات نمی‌توانند مورد تفسیر قرار بگیرند. پذیرش یا عدم پذیرش صحیفه سجاده به عنوان یک اثر کاملاً اصیل توسط مورّخین، تغییری در تأثیر حقیقی و غیرقابل انکار زین‌العابدین و صحیفه بر اسلام در طول قرون متمادی نخواهد داشت و تصور نیز نمی‌شود که بتواند تغییری در تداوم تأثیر آن بر مسلمانانی که اکنون این اثر را می‌خوانند ایجاد کند. زین‌العابدین «واقعی» آن کسی است که در پس واژه‌های این کتاب قرار دارد. [...]

متن عربی

متن عربی صحیفه کامله که مبنای این ترجمه را تشکیل می‌دهد، توسط شهید اول نگاشته شده است. ویراست‌های جدید ایرانی عمدتاً بر مبنای نسخه‌ای هستند که توسط پدر علامه محمدباقر مجلسی که بیشتر به آن اشاره شد، ملا محمد تقی مجلسی (وفات ۶۰-۱۶۵۹ / ۱۰۷۰)، و پسر دیگر ایشان ملا عبدالله (وفات ۱۶۷۳ / ۱۰۸۴) به ما رسیده است. ملا محمد تقی مجلسی نیز یکی از محققین برجسته و ارزشمند عصر صفویه بود. اما در این میان حداقل یکی از ویراست‌ها را می‌توان منتسب به شیخ بهایی (وفات ۲-۱۶۲۱ / ۱۰۳۱) - حقوقدان، فیلسوف، معمار، شاعر، و ریاضی‌دان مشهور دوران صفویه دانست.^(۱) مجلسی پدر نسخه‌های خطی متعددی را از صحیفه در اختیار داشت که از

۱- از پانوشتی در ویرایش و ترجمه شعرانی چنین برمی‌آید که آن اثر نسخه‌برداری از یک دستنویس، مقابله

بزرگترین مراجع شیعه زمان خود دریافت کرده بود. وی در یکی از آثارش به تمام زنجیره‌هایی که از طریق آنها صحیفه را بدست آورده بود اشاره کرده است که گفته می‌شود این رقم از یک میلیون بیشتر است.^(۱)

[...] دست کم چهل شرح و تفسیر بر صحیفه نوشته شده است که بیشتر آنها از دوره صفویه (۱۷۲۲-۱۵۰۲ / ۱۱۲۵-۹۰۷) تا زمان حاضر تحریر یافته‌اند. در میان محققین معروف دوره صفویه که بر صحیفه تفسیر نوشتند می‌توان به شیخ بهایی، فیلسوف معروف میرداماد (وفات ۱۶۳۰ / ۱۰۴۰)، و مجلسی پسر اشاره کرد. شناخته شده‌ترین تفسیر بر صحیفه «ریاض السالکین» نام دارد که توسط سید علیخان حسینی شیرازی (وفات ۱۷۰۸ / ۱۱۲۰) به رشته تحریر درآمده است.

نقش دعا و مناجات

[...] اگرچه بسیاری از دعاهایی که از پیامبر و امامان به ما رسیده‌اند به طور یقین اظهارات قلبی خودجوش آنها بوده‌اند، اما سایر دعاها باید با هدف بازگویی در شرایط مختلف یا انتقال به مؤمنین و دینداران نگاشته شده باشند. بیشتر دعاها پیامبر کوتاه هستند و می‌توانند فی‌المجلس نقل شوند اما برخی از دعاهایی که از امامان رسیده‌اند - مانند دعای امام زین‌العابدین برای روز عرفه (شماره ۴۷) - طولانی بوده و دارای سبک نگارشی بسیار فاخر و پرطمطراقی می‌باشند. حتی اگر این دعاها در ابتدا به صورت خودجوش و خودانگیخته بوده باشند، این حقیقت که آنها به عنوان دعاهایی برای شرایط بخصوص به وجود آمده‌اند نشان‌دهنده این مطلب است که آنها دست به دست امامان و پیروان آنها رسیده‌اند تا در شرایط مشابه شرایط زمان ادای آنها دوباره تکرار شوند.

دانستن شرایطی که در آنها دعاها بوجود آمده‌اند به طور طبیعی غیر ممکن است، اما

شده، تصحیح شده، و امضاء شده توسط شیخ بهایی بوده است؛ متن کاملاً مشابه نسخه‌ای است که به مجلسی نسبت داده می‌شود. ۱ - قس. مقدمه مشکات بر صحیفه سجاده.



ما به میزان بسیار زیادی در مورد فضای عمومی دوران ابتدایی اسلام اطلاعات داریم که می‌تواند به نشان دادن نقش دعا در جامعه آن زمان کمک کند. بسیاری از مسلمانان، که بدون شک بسیار بیشتر از مسلمانان امروزی بوده‌اند، مقدار بسیار زیادی از زندگی کاری خود را وقف نقل قرآن، یادآوری خداوند، و دعا کردن کردند. حتی آنان که مکه و مدینه را به قصد شرکت در جنگ‌هایی به منظور توسعه اسلام و یا شرکت در اداره امپراتوری جدید ترک کردند لزوماً از اعمال معنوی چشم‌پوشی نکردند. و برای آنها که خود را وقف عبادت کردند، دعا به منزله گوشت و خون تخیل آنها بود. دعا ابزاری بود که مردم می‌توانستند توسط آن به پروردگار خود بیان‌دیشند و فکر و یاد او را در تمام فعالیت‌های روزانه خود حاضر نگاه دارند. دعا بیان صمیمی و دوستانه «توحید» یا «اذعان به یگانگی خداوند» بود که به احساسات، عواطف، افکار، و ادراکات آنها شکل داد.

در اسلام دعا به عنوان یکی از نخستین چارچوب‌هایی در نظر گرفته می‌شود که در آن روح می‌تواند مطابق با خواست الهی شکل بگیرد و از طریق این چارچوب تمام افکار و مفاهیمی که بر نفس بنیان نهاده شده‌اند به دور ریخته شوند. تأکید فوق‌العاده که در صحیفه بر انجام خواست خدا شده است - همانطور که مسیحیان دعا می‌کنند «خواست تو انجام می‌شود» - محوریتی را برای پروردگار ترسیم می‌کند که تمام خودخواهی‌های شخصی و خواهش‌های فردی که به هر شکل با خواست الهی - خواستی که از سوی شریعت و سنت به آن شکل ملموس و عینی داده شده است - مغایرت دارد را انکار می‌کند. برای مسلمانان آن زمان نیز همانند مسلمانان امروزی اطاعت پروردگار وابسته به تقلید از آنهاست که پیش‌تر از این با لطف و راهنمایی پروردگار شکل گرفته‌اند. مجموعه این افراد با پیامبر آغاز شده و با اصحاب بزرگ ایشان ادامه می‌یابد. برای شیعیان سخنان و کردارهای امامان چنان نقش اساسی را در این زمینه بازی می‌کند که گاهی به نظر می‌رسد - دست کم برای غیر شیعیان سنت پیامبر را به پشت صحنه می‌راند.

یاران ائمه به طور دائم به آنها مراجعه کرده و از آنها راهنمایی می‌خواستند، در حالیکه امامان خود پیرو شیوه پیامبر بودند که ساعت‌های متمادی را در روز و شب به

نماز، ذکر، و دعا می‌پرداختند. اگرچه بیشتر این زندگی مذهبی و عبادی حالتی شخصی و درون‌گرایانه داشت، اما امامان وظیفه داشتند جامعه را رهبری کرده و زندگی مذهبی مردم را غنی سازند. همانطور که امام زین‌العابدین در «رساله حقوق»، ترجمه شده در قسمت ضمایم، تأکید می‌کند، بر هر صاحب علمی است که آن را به دیگران انتقال دهد و امامان نیز از سوی هم عصران خویش، چه شیعه و چه سنی، به عنوان صاحب‌نظران و مراجع بزرگ اسلام شناخته شده بودند. بنابراین طبیعی بوده که امامان دعاهایی را بنگارند که در آنها علم ایشان در مورد ارتباط انسانها با خداوند با استفاده از شخصی‌ترین اصطلاحات بیان شده باشد و قابلیت انتقال یافتن به دیگران و تبدیل شدن به یک دارایی مشترک را نیز داشته باشند. اگر نخواهیم بگوییم بیشتر دعاهای صحیفه از این نوع هستند، بسیاری از آنها این خاصیت را دارا هستند. تعداد کمی از دعاهای صحیفه مانند: «دعای آن حضرت در عید فطر» (شماره ۴۶) و «دعای آن حضرت در عید قربان» (شماره ۴۸) نیز به نظر می‌رسند برای مناسبت‌های عمومی گفته شده باشند. یکی از دعاها نیز دارای نشانه‌هایی داخلی است که نشان می‌دهد امام، یاران خویش و سایر مردم را در ذهن داشته و نه خود را: در دعا برای والدین (شماره ۲۴) او به گونه‌ای صحبت می‌کند که گویی والدینش زنده‌اند، در حالیکه چنین چیزی ممکن نبوده است مگر در صورتی که تصور کنیم که ایشان این دعا را پیش از واقعه کربلا نگاشته باشند. [...]

از آغاز اسلام، دعا یکی از عوامل پایه‌ای و اساسی بوده است که مسلمانان از آن طریق، آگاهی از اندازه‌های درست و صحیح را به واقعیت رسانده‌اند و خود را برای دیدن پروردگار به عنوان منبع و منشاء تمام خوبی‌ها آموزش داده‌اند.

دعا در عالی‌ترین نمونه‌های آن، همانطور که در صحیفه می‌توانیم ببینیم، تمرین مداوم بینشی است که براساس آن، هرآنچه به خدا تعلق دارد به خدا و هرآنچه به انسان تعلق دارد به انسان مرتبط و منتسب می‌شود. به محض اینکه چنین بینش و بصیرتی به انسان دست می‌دهد، او با گناهکاری و نقص خود تنها می‌ماند. پس تنها کاری که می‌تواند انجام دهد خوار و ذلیل ساختن خود در برابر پروردگارش است تا از او طلب رحمت و بخشش کند.



آنها که با نوشته‌های مراجع و صاحب‌نظران مذهبی اخیر آشنا هستند ممکن است با آن بُعد از دعا که اکنون مطرح شد مخالف باشند و بگویند که این تنها نیمی از معنویت اسلام است و تکامل دینی و مذهبی که دوستان خدا (اولیاء) با دنبال کردن جاده معنویت بدان دست می‌یابند را نادیده گرفته است. بله، از یک سو، انسان بنده خاضع و فقیر پروردگار یکتاست که هیچ چیزی از خود ندارد. اما آیا او - دست کم به صورت پیامبر و ولی خدا - نماینده خداوند (خلیفه) و تصویر او (صورت) نیست؟ در واقع، جنبه دوم در جنبه اول نهفته است، چرا که هر چه فرد، خصوصیات مثبت را از بنده انکار کند بیشتر بر این نکته تأکید کرده است که او به پروردگار تعلق دارد. با رد این نکته که انسان از خود، خیر و خوبی دارد، بر این مطلب صحنه می‌گذاریم که هر چیز مثبت و خوبی که در او وجود دارد تنها متعلق به خداوند است. تا هر جا که بنده خود را غرق در هیچی خود بدانند، کمال پروردگار یکتا را نشان داده است. این نقطه نظر در این حدیث قدسی معروف به طور نسبتاً صریحی بیان شده است:

«بنده‌ام با انجام اعمال مستحبی [مانند دعا] به من نزدیک تر می‌شود، تا او را دوست بدارم، و هنگامی که او را دوست بدارم هرآنچه می‌شنود از طریق من می‌شنود، هرآنچه می‌بیند از طریق من می‌بیند، من دستی هستم که با آن می‌گیرد و پایی هستم که با آن راه می‌رود.»^(۱)

اما متون اسلامی اولیه به موضوع «فناء فی الله» یا «یکسانی مطلق» اشاره‌ای نکرده‌اند، چرا که این موضوع ظریف‌تر از آن است که قابلیت بیان شدن با اصطلاحات صریح متداول در اینگونه متون را داشته باشد.^(۲) در هر صورت، همانندی و یکسانی با موضوع دعا بیگانه است، زیرا دعا در پی نشان دادن تفاوت و اختلاف میان خدا و بنده است و این تفاوت در تمام شرایط، حتی در جهان دیگر، دست کم با یک درجه و سطح

۱ - بخاری، رفاق ۳۸.

۲ - یکی از دلایل اسلام برای عدم بسط این دیدگاه خطر شرک یا منسوب دانستن دیگران به خداست - این مسأله یادآور دادن مقام الوهیت به حضرت عیسیٰ علیه السلام در برخی جنبش‌های فرقه‌ای این دین است، مانند غلات (Ghulaat)

از اختلاف هم که شده باقی خواهد ماند و مفهوم خود را از دست نخواهد داد.^(۱) [...]

صحیفه و معنویت اسلامی

[...] مایلم بگویم که کتابی مانند صحیفه بُعد درونی و داخلی اسلام را آشکار می‌کند که حتی ممکن است فهم و درک آن در سایر متون اولیه دشوارتر نیز بوده باشد. هنگامی که دانشمندان و سایر افراد ناآشنا به اسلام به آن می‌نگرند به طور طبیعی آنچه را که در نگاه اول دیده باشند درک می‌کنند که از آن جمله می‌توان به وقایع، گزارش‌ها و اسناد مکتوب، روابط اجتماعی، و غیره اشاره کرد. آگاهی یافتن از درون قلب مردم و یا اصرار بر فهمیدن رابطه شخصی افراد با پروردگار کار آسانی نیست، اگرچه بیشتر مردم نیز علاقه‌ای به این امر ندارند. اگر راهی به درون قلوب مردم وجود داشته باشد، یافتن آن مستلزم مطالعه و بررسی درونی‌ترین نگرانی‌ها و دغدغه‌های افراد است که در فعالیت‌های بیرونی و نوشته‌های ایشان منعکس می‌شوند. اما ابعاد از اسلام که بیشتر توجه نظاره‌کنندگان بیرونی را به خود جلب کرده‌اند ابعاد بیرونی و مشخص آن هستند که نسبتاً خالی از عشق و حرارتی هستند که در غرب از معنویت و روحانیت سراغ دارند.

تمدن اسلامی به طور کلی بسیار شبیه به یک شهر مسلمان‌نشین قدیمی است: دیوارهای بیرونی حکایت از گرفتگی و کسالت و غم‌بار بودن آن می‌کنند و ورود به این دنیای پشت دیوار نیز آسان نیست؛ اما اگر شخصی بتواند با اهالی این شهر صمیمی شود، به او حیاط‌ها و باغ‌های دل‌انگیز و زیبایی نشان داده خواهد شد که مملو از گل‌های خوشبو، درختان میوه، و فواره‌های جوشان هستند. آنهایی که در رابطه با تاریخ اسلام، وقایع سیاسی، و بنیادهای آن مطلب می‌نویسند تنها با دیوارها سروکار دارند، زیرا راهی



۱ - همانطور که العربی اغلب به ما یادآوری می‌کند: «واقعیت‌ها نمی‌توانند تغییر پیدا کنند. بنابراین بنده همیشه بنده است و ارباب همیشه ارباب. خداوند، خداوند باقی می‌ماند و مخلوق، مخلوق» (الفتوحات المکیه، بیروت، بدون تاریخ، بخش یازدهم، صص ۵ - ۳۷۱) هیچکس تا بحال نگفته است که محمد به دلیل داشتن بزرگ‌ترین تکاملی که برای بنده ممکن است، از حقیقت بنده خدا بودن مستثنی می‌شود. او همیشه محمد خواهد بود حتی اگر در همان حال بزرگ‌ترین و بهترین هویت را داشته باشد.

به درون باغ‌های پشت دیوار ندارند. برخی از این باغ‌ها از طریق مطالعه صوفی‌گری، هنر و معماری، شعر، و موسیقی به روی افراد باز می‌شوند، اما از آنجا که تمام این موارد در اشکال تاریخی ویژه و تحت تأثیر محیط پیرامون خود به ظهور رسیده‌اند، ریشه‌های عمیق اسلامی آنها به راحتی از چشم افراد دور می‌ماند. قدیمی‌ترین، اصیل‌ترین و دشوارترین باغ‌های این شهر برای ورود، قلب‌های بزرگترین نمایندگان این تمدن است. اینجاست که دعا‌های رسیده از ستون‌های اسلام اولیه تصویر کاملاً جدیدی را از روح زنده و پویای اسلام نشان می‌دهند، چرا که این دعاها دسترسی مستقیم به انواع رفتارها و ویژگی‌های بشری که پیش نیاز شکوفایی کامل آرمان اسلامی هستند را فراهم می‌کنند.

ابعاد دیگر

شاید به نظر برسد که این مقدمه به طور اختصاصی به معنویت و روحانیت در اسلام می‌پردازد، اما صحیفه به سایر قلمروها نیز می‌پردازد. همانطور که در بالا گفته شد نمایندگان بزرگ اسلام نیز همانند قرآن و حدیث تمام سطوح تعالیم اسلامی را با همدیگر و به طور همزمان مورد توجه قرار داده‌اند. اگر در مباحثی که در مورد صحیفه آورده شده است همواره به روحانیت و معنویت اشاره شده است به واسطه این حقیقت است که این اثر مجموعه‌ای از ادعیه است و این دعاها بر رفتارهای مشخصی در برابر حقیقت الهی پروردگار دلالت می‌کنند که بدون قرارگرفتن در یک زمینه معنوی و روحانی قابل فهم و ادراک نیستند.

اما صحیفه آموزه‌هایی را نیز ارائه می‌دهد که در سطوح مختلفی، از خداشناسی (در گسترده‌ترین مفهوم آن) گرفته تا مسائل اجتماعی، کاربرد دارند. البته بررسی جامع و کامل این سطوح نیازمند نگارش کتابی است که بسیار قطورتر از خود صحیفه خواهد بود. امیدوارم که با انتشار این ترجمه از صحیفه سجادیه، دانشمندان به مطالعه و بررسی محتوای دعا‌های موجود در صحیفه (و همچنین دعا‌هایی که از سایر ارکان اسلام آغازین به خصوص امامان شیعه به جای مانده است) ترغیب شوند تا تمام سطوح آموزه‌های این ادعیه را آشکار کنند. بیشترین کاری را که می‌توان در اینجا انجام داد این است که به

برخی از سایر عناوین مهم و مورد توجه صحیفه اشاره کنیم و برخی پرسش‌های مهمی را که از بررسی این عناوین بدست می‌آیند ذکر کنیم.

اسلام واقعیتی طبیعی و سازمند است که دارای سه بُعد بنیادین است: عمل یا شریعت (اسلام)، اعتقاد (ایمان) شامل مکتب و آموزه‌های اندیشمندانه، و معنویت (احسان). این ابعاد در نمونه زنده‌ای از یک جامعه به طور بسیار نزدیکی به هم پیوسته‌اند، حتی اگر اشکال بنیادین مختلفی بخواهند به طور جداگانه با آنها ارتباط برقرار کنند. منابع اولیه مانند احادیث پیامبر یا نهج البلاغه علی‌علیه‌السلام با هر سه این ابعاد سروکار دارند. البته بخش‌های مختلفی را نیز از این منابع می‌توان جدا کرد که تنها به موضوع خاصی می‌پردازند. اما اثری همانند نهج البلاغه یا صحیفه تفاوت بسیار زیادی دارد، چرا که در این کتاب بیاناتی در تمام زمینه‌ها، از ماوراء الطبیعه گرفته تا ماهیت دولت سالم و یا تا اشتباهات شخصی برخی همعصران علی، یافت می‌شود. اگرچه معنویت یکی از ابعاد اسلام است، ولی در نهج البلاغه هیچ تأکیدی بر آن وجود ندارد، اما این نکته را نباید فراموش کرد که در تمام گفته‌های علی معنویت و تقدس عمیقی نهفته است.

در مقایسه با نهج البلاغه، صحیفه سجادیه با شکل و محتوای دعایی خود بر درونی‌ترین و خصوصی‌ترین بُعد اسلام تأکید می‌کند. اما باید توجه داشت که صحیفه به طور همزمان به سایر ابعاد اسلام نیز گوشه‌چشمی دارد. به عنوان مثال دسته سنتی و قدیمی «ایمان» با موضوعاتی چون خدا، فرشتگان، پیامبران، کتاب‌های مقدس، روز قیامت، و «اندازه‌گیری» (قَدْر) خیر و شر در ارتباط است. این عناصر ایمان موضوع اصلی بیشتر تفکرات اسلامی در کلام، فلسفه، و صوفی‌گری نظری را تشکیل می‌دهند. امام زین‌العابدین این عناصر و موضوعات را گاهی به طور خلاصه و گاهی به صورت مشروح مورد بحث قرار داده است. او اغلب از فرشتگان یاد می‌کند و جمله «سلام و درود بر حاملان عرش» (شماره ۳) که او در رابطه با فرشتگان بیان می‌کند بهترین خلاصه عقاید مسلمانان در مورد آنهاست.

امام همچنین به طور پیوسته به حوزه و قلمرو اعمال اسلامی یا شریعت در معنای



گسترده آن اشاره می‌کند. او بر نیاز به پیروی از راهنمایی‌ها و دستورات خداوند که در قرآن و حدیث، هم برای زندگی فردی و هم برای زندگی اجتماعی، آمده است تأکید می‌کند. بسیاری از آموزه‌های اجتماعی ویژه و همچنین احکام و دستورات عمومی از جمله نیاز به برقراری عدالت در جامعه نیز در صحیفه به خوبی دیده می‌شوند. اما از آنجا که آموزه‌های اجتماعی با حوزه عمل، بیرونی‌ترین بُعد اسلام، در ارتباط هستند باید در قالب آموزه‌های نظری و معنوی امام نگریسته شوند. همانگونه که امام علیه السلام در «رسالة حقوق» خویش به روشنی بیان کرده است، سلسله مراتب اولویت‌ها باید همواره مورد توجه قرار گیرد: فردی پیش از اجتماعی، معنوی پیش از عملی، و علم و آگاهی پیش از اقدام. هر انسانی مجموعه‌ای طولانی از وظایف اجتماعی را بر عهده دارد. اما این وظایف بستگی به وظایف ضروری‌تری دارند که در درجه اول، ایمان به خدا و در درجه دوم، فرادادن خود در رابطه‌ای مناسب با حقیقت الهی است.

ترجمه

ترجمه حاضر از صحیفه سجادیه براساس متن اصلی عربی می‌باشد که در آن دقت شده است ترجمه الفاظ به درست‌ترین شکل انجام گیرد. همچنین تلاش شده است تا قابل خواندن و قابل فهم بودن متن انگلیسی این ترجمه حفظ شود. در طول این ترجمه همواره ترجمه تفسیری آربری^(۱) از قرآن را جلوی دید خود قرار دادم تا در انجام این کار الگویی برایم باشد. نگرانی ویژه من در این ترجمه، حفظ هماهنگی در ترجمه واژگان تخصصی و حفظ ملموس بودن اصطلاحات زبان مبدأ بود و همواره این احساس را داشتم که «معنی» متن نمی‌تواند بدون توجه لازم به شکل آن مورد فهم و درک قرار بگیرد.^(۲) گفته شده است که یکی از امتیازات ادبیات عبادی در دوره آغازین اسلام،

۱ - Arberry .

۲ - این ترجمه با ترجمه سید احمد علی موهانی تفاوت دارد (صحیفه الکامله، چاپ اول در لکهنو Lucknow) در ۳۱-۱۹۲۹؛ ویرایش دوم، بازنگری توسط ام، ای، ایچ، خان، لکهنو، ۷۰-۱۹۶۹، چندین ویرایش دیگر نیز از آن تهیه شده است.

توانایی آن در صحبت بازبانی نسبتاً ملموس و پیش خداشناسانه با درجه بالایی از جهان شمولی بوده است. در نتیجه هر حرکتی در جهت ترجمه واژگان تخصصی ملموس به شکلی ناملموس و انتزاعی، با توجه به معنای عقلانی به جای تصاویری که شکل زبان‌شناسی آنها ارائه می‌دهند، ما را به سوی کلام سوق داده و از دنیای قرآن، حدیث، و صمیمیت خود دعاها دور می‌کند. به همین دلیل است که اینجانب معمولاً واژگان معمول و عینی مانند «باغ» را به واژگانی انتزاعی چون «بهشت» ترجیح می‌دهم.

هنگامی که اینجانب در تفسیر معنای متن به مشکل برمی‌خوردم به تفسیر سید علیخان شیرازی مراجعه می‌کردم. اینجانب همچنین از ترجمه و تفسیر بسیار عالی علینقی فیض الاسلام از صحیفه به زبان فارسی و نیز ترجمه کم‌بینه‌تر میرزا ابوالحسن شعرانی به زبان فارسی بهره‌های بسیاری بردم. سعی کرده‌ام که پانوشته‌ها خسته‌کننده نباشند و در آنها تنها اسامی خاص، توضیح مسائل مبهم، و اشاره به تعدادی از مراجع قرآنی - به منظور نشان دادن کمال و زیبایی متنی که در این اثر قرار دارد - آورده شوند. در تعداد اندکی از موارد زیر به احادیث مربوط اشاره کرده‌ام و یا تفاسیر مختلف مفسران را مورد بحث قرار داده‌ام.

ترجمه «رساله حقوق» امام زین‌العابدین نیز به دنبال ترجمه صحیفه آمده است. این رساله تنها اثری است که به جز دعاها یا گفته‌ها و نامه‌های نسبتاً کوتاه به ایشان منسوب است. این رساله از آن جهت دارای اهمیت است که بسیاری از موضوعات مشابه صحیفه را با سبک و زبانی متفاوت بیان کرده است.